

شکاف نسلی یا گسست فرهنگی

(بررسی شکاف نسلی در ایران)

سعید معیدفر^۱

چکیده

در این مقاله نخست مفاهیم شکاف، گسست، انقطاع و تفاوت نسلی تعریف شده و از این میان مفهوم شکاف نسلی به عنوان رایج‌ترین مفهوم و مسئله اجتماعی تعیین شده است. سپس به نقل از بنگستون سه دیدگاه عمده در باره شکاف یا گسست نسلی توضیح داده شده است: ۱- دیدگاهی که از وجود "شکاف بزرگ" حمایت می‌کند، ۲- دیدگاهی که در نقطه مقابل، شکاف بزرگ را توهم دانسته و آن را ناشی از فریب افکار عمومی از سوی رسانه‌های عمومی می‌داند و ۳- دیدگاه سوم، دیدگاهی است بین دو دیدگاه پیشین و اعتقاد به وجود "گسست و تفاوت انتخابی" میان نسل‌ها دارد.

در بررسی شکاف نسلی در ایران نیز چهار دیدگاه مطرح شده است: ۱- دیدگاه کسانی که از وجود شکاف نسلی در ایران دفاع می‌کنند، ۲- دیدگاه کسانی که به تفاوت نسلی قائل‌اند و نه شکاف یا گسست نسلی، ۳- دیدگاه کسانی که مسئله اصلی را گسست فرهنگی می‌دانند و نه گسست نسلی و ۴- دیدگاه افرادی که با بیم و امید به این پدیده نظر دارند و معتقدند شرایط فعلی پتانسیل گسترش تفاوت نسلی را تا سرحد شکاف نسلی دارد، منوط به اینکه مدیریت صحیح نشود.

به منظور آزمون فرضیه‌ها، داده‌های دو طرح ملی تحول ارزش‌ها و نگرش‌ها در سال‌های ۷۹ و ۸۲ بررسی شده است. بر اساس یافته‌های این دو طرح، می‌توان گفت در هر سه حوزه ارزش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، در برخی زمینه‌ها تفاوت آشکاری میان جوانان و بزرگسالان مشاهده نمی‌شود و در برخی زمینه‌ها نه تنها تفاوت زیادی در میان جوانان و بزرگسالان دیده می‌شود، بلکه این تفاوت در طی زمان بیشتر نیز شده است.

واژگان کلیدی:

شکاف نسلی، گسست فرهنگی، تفاوت نسلی، مسئله اجتماعی، انقطاع نسلی

مفهوم شکاف نسلی

دربارهٔ اختلاف نسل‌ها با یکدیگر، مفاهیم متعددی بکار رفته است. گاهی صحبت از تفاوت نسلی^۱ شده است. تفاوت اندک دو نسل در ارزش‌ها یا هنجارها یا در نگرش‌ها، طبیعی بوده و تقریباً در همهٔ جوامع و زمان‌ها وجود داشته است. این تفاوت عمدتاً ریشه‌ای روان‌شناختی دارد و افراد در سنین مختلف به دلیل شرایط متفاوت عاطفی و روانی از یکدیگر باز شناخته می‌شوند (اینگلهارت ۱۳۷۳: ۸۶). اختلاف دو نسل بعضاً در مفهوم انقطاع یا گسست نسلی^۲ بکار برده می‌شود و آن عبارت از اختلافی در ارزش‌ها یا هنجارها و نگرش‌هاست که موجب جدایی نسل جدید از نسل قدیم و طغیان نسل جدید در برابر نسل قدیم می‌شود. در این وضعیت، غالباً نوجوانان و جوانان می‌کوشند تا آخرین پیوندهای وابستگی خود را از والدین یا نسل بالغ بگسلند و اغلب در این راه به گردن‌کشی و طغیانگری می‌پردازند (شرفی ۱۳۸۲: ۱۰۸).

گسست نسلی در خانواده میان پدر، مادر و فرزندان به معنی عدم تبعیت کامل فرزندان از پدر و مادر و تغییر گروه مرجع جوانان است. در پدیدهٔ گسست نسلی، نوعی اختلال در تبعیت فرزندان از والدین به وجود می‌آید؛ به این معنا که فرزندان برای همانندسازی، فرد دیگری را جایگزین شخصیت پدر یا مادر می‌کنند (شرفی ۱۳۸۲: ۱۱۳).

رایج‌ترین مفهوم بکار رفته در بارهٔ اختلاف نسلی، مفهوم شکاف نسلی^۳ است. در فرهنگ آکسفورد، شکاف نسلی به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده است که موجب عدم فهم متقابل آنان از یکدیگر می‌شود (آکسفورد ۲۰۰۰). در فرهنگ وبستر، شکاف نسلی به عنوان اختلافی گسترده در خصلت‌ها و نگرش‌های میان نسل‌ها تعریف شده است (وبستر ۲۰۰۴).

گاهی نیز مفهوم شکاف نسلی، گسست نسلی و انقطاع نسلی به جای یکدیگر بکار رفته اند. به هر حال، در تمایز این مفاهیم تعاریف دقیقی ارائه نشده است. اما شاید بتوان گفت مفهوم گسست یا انقطاع نسلی به بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین اختلاف میان نسل‌ها اشاره دارد، در حالی که منظور از شکاف نسلی، وجود وجوه

-
- 1- Generation difference
 - 2- Generation discontinuity
 - 3- Generation gap

نازل تر چنین اختلافی میان نسل‌ها است. مفهوم گسست یا انقطاع نسلی کمتر در فرهنگ‌های لاتین دیده می‌شود و تحت این عنوان کمتر مقاله یا کتابی یافت می‌شود و بعضاً در برخی متون از آن استفاده شده است. اما مفهوم شکاف نسلی هم در فرهنگ‌های مختلف و هم در عنوان مقالات بارها به کار رفته و رایج است. در این مقاله بیشتر از این مفهوم استفاده شده، اما بعضاً در نقل قول‌ها از دو مفهوم دیگر نیز استفاده شده است.

مبانی نظری

اگرچه موضوعات نسل^۱ و جوانان در بحث‌های تاریخی تفکرات اجتماعی و جامعه‌شناسی، موضوع جدیدی نیست، اما طرح مسئله شکاف نسلی سابقه طولانی ندارد. این مسئله عمدتاً پس از جنگ دوم جهانی و بویژه در دهه ۶۰ در جامعه اروپایی مطرح شده و چالش‌هایی بر سر آن در میان متفکران اجتماعی و جامعه‌شناسان به وجود آمده است.

به نظر بنگستون، سه دیدگاه عمده در باره شکاف یا گسست نسلی وجود دارد: ۱- دیدگاهی که از وجود "شکاف بزرگ" حمایت می‌کند، ۲- دیدگاهی که در نقطه مقابل، شکاف بزرگ را توهم دانسته و آنرا ناشی از فریب افکار عمومی از سوی رسانه‌های عمومی می‌داند و ۳- دیدگاه سوم، دیدگاهی است بین دو دیدگاه پیشین و اعتقاد به وجود "گسست و تفاوت انتخابی" میان نسل‌ها دارد (بنگستون، ۱۹۷۰).

پیروان دیدگاه حمایت از وجود شکاف بزرگ، معتقدند این شکاف میان جوانان و بزرگسالان بالنسبه گسترش یافته است. در این دیدگاه، فرهنگ جوانی از فرهنگ مسلط بزرگسالان که بر مبنای قبول ارزش‌های رایج است، جدا شده و در مخالفت با آن قرار گرفته است. از این نظر فرهنگ جدیدی در این جوامع رایج شده که بر اساس آن جوانان از میان معاصران، الگوهای نقشی خود را برمی‌گزینند. به طور کلی این دیدگاه ذهنی و فاقد داده‌های تجربی است. این دیدگاه نمی‌تواند توضیح دهد که چرا ارزش‌ها و هنجارهای جوانان از ارزش‌ها و هنجارهای بزرگسالان تمایز یافته است. استدلال اساسی آنان مبتنی بر ستیز رفتاری جوانان در برابر بزرگسالان است و بر اساس این تفاوت رفتاری حکم به ارزش‌های متفاوت می‌کنند (روزاک ۱۹۶۹؛ فریدنبرگ ۱۹۶۹؛ اسلاتر ۱۹۷۰).

نقطه مقابل این دیدگاه معتقد است ارزش‌های جوانان (چندان که دیدگاه اول معتقد است) بی‌شبهت با ارزش‌های بزرگسالان نیست. اگرچه به نظر می‌رسد جوانان ارزش‌های اجتماعی دیگری در مقایسه با بزرگسالان دارند، اما این "شکاف" تماما ربطی به پذیرش ارزش‌های متفاوت در میان جوانان ندارد. به نظر می‌رسد این جدایی مربوط به کاربرد وضعیتی مجوزهای هنجاری برای واقعیت ارزشی باشد. به عبارت دیگر، ستیز بین نسلی ناشی از وسایل به کار گرفته شده برای تحقق ارزش‌های پذیرفته شده و مشابه با ارزش‌های بزرگسالان است و نه پذیرش ارزش‌های متفاوت با آنان (ادلسون ۱۹۷۰؛ لیپست ۱۹۶۸؛ لوبل ۱۹۶۸؛ ریز ۱۹۶۸). اگرچه یافته‌های تجربی فراوانی در تایید این دیدگاه وجود دارد، اما توماس این یافته‌ها را کاملا قانع کننده نمی‌داند (۱۹۷۴).

سومین دیدگاه یعنی "گسست و تفاوت انتخابی"، ستیز کم بین ارزش‌های نسل‌ها را می‌پذیرد. در عین حال مدافعان این دیدگاه با فرضیه "توهم شکاف" و القایی بودن شکاف نسلی موافقاند (کینستون ۱۹۶۵؛ فلاکس ۱۹۶۷؛ پارسونز ۱۹۵۱؛ نادل ۱۹۵۶؛ مرتن ۱۹۵۷). مشکل این دیدگاه از نظر بنگستون این است که دقیقا مشخص نمی‌کند این اختلاف‌ها چیست، چطور ایجاد می‌شود و در آینده چه پیامدهایی دارد.

اینگلهارت در کتاب خود تحت عنوان "تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی" در مورد تفاوت سنی یا نسل‌ها چهار فرضیه اساسی را مطرح ساخته و در باره امکان یا عدم امکان شکاف یا گسست نسلی سخن گفته است.

۱- فرضیه چرخه زندگی یا سالخوردگی، که براساس آن گفته می‌شود تفاوت نسل‌ها یا تفاوت ارزش‌های گروه‌های سنی مختلف، امری طبیعی و مربوط به اقتضات روان‌شناختی هر دوره از زندگی است و هر گروه سنی پس از سپری کردن دوره مربوط و رفتن به گروه سنی دیگر، ارزش‌های پیشین در او به تدریج کم‌تر شده و ارزش‌های گروه سنی جدید را به خود می‌گیرد. با این وصف، اگر تفاوت‌هایی در میان جوانان با بزرگسالان در ارزش‌ها مشاهده می‌شود، در اقتضای شرایط سنی آنان است و با گذر از این شرایط و قرار گرفتن در شرایط سنی بزرگسالان، همان وضعیت بزرگسالان را پیدا می‌کنند و این چرخه همچنان در طی زمان به پیش می‌رود. (اینگلهارت: ۹۰ تا ۸۶).

۲- فرضیه دوره‌ای، که براساس آن تفاوت سنی یا نسل‌ها به فرایند تدریجی تغییر ارزش‌ها در همه گروه‌های سنی با کمی تفاوت از یکدیگر مربوط می‌شود. با انجام اصلاحات بنیادی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و تغییر شرایط زیست، به تدریج ارزش‌های همراه با آن نیز در کلیه افراد جمعیت محل تغییرات اساسی ایجاد می‌شود. البته افراد در مسیر این تحولات ارزش‌ها با توجه به نزدیکی و دوری از این تغییرات دیرتر یا زودتر این تغییرات را به خود می‌گیرند. همچنین از آنجا که شرایط گروه‌های سنی از نظر میزان پذیرش و انعطاف نسبت به تغییرات متفاوت است، بنابراین معمولاً جوانان نسبت به گروه‌های سنی بزرگسال زودتر در مسیر تغییرات قرار می‌گیرند (همان ۸۶).

۳- فرضیه گروه سنی، که تفاوت سنی یا نسل‌ها را در واقع دگرگونی اساسی در ارزش‌های نسل‌های جدید با ارزش‌های نسل‌های پیشین تلقی می‌کند. در واقع، نسل جدید ارزش‌های کاملاً متفاوتی با نسل‌های قبل دارد و با گذشت زمان با ورود گسترده این نسل به عرصه‌های مختلف حیات اقتصادی، اجتماعی به تدریج فرایند جایگزینی ارزش‌های جدید به جای ارزش‌های نسل قبل انجام می‌شود (همان ۸۶).

۴- فرضیه ترکیبی، که براساس آن تفاوت سنی یا نسلی، ناشی از چرخه زندگی، اقتضانات سنی و تغییرات بنیادی در ارزش‌های همه گروه‌های سنی با کمی تغییر از یکدیگر و تغییر در ارزش‌های نسل جدید است که به تدریج با نقش‌های بیشتر و رو به افزایش این نسل در حیات اقتصادی اجتماعی، جایگزین ارزش‌های نسل قبلی می‌شود. البته می‌توان ترکیب فرضیه‌های اول و دوم را نیز در نظر گرفت (همان ۸۷).

عوامل مؤثر بر پدیده شکاف نسلی: درباره عوامل مؤثر بر پدیده شکاف یا کسست نسلی دیدگاه‌های متعددی مطرح شده است. مانهایم یکی از پیشگامان طرح این موضوع و بیان دلایل آن در جامعه جدید است. به نظر او همیشه نسل‌های جدید آغازگر خودآگاهی ریشه‌ای و متمایز از نسل‌های پیشین نیستند، بلکه برعکس پدیده کسست نسلی عمدتاً در پی دورانی از تغییرات فرهنگی سریع ایجاد می‌شود. در چنین دورانی است که دسته‌های نسبتاً بزرگی از افراد به‌عنوان عاملان تغییر اجتماعی تند، با تفسیرهای سنتی به چالش برخاسته و تفسیرهای جایگزین را مطرح می‌سازند. اعضای این دسته‌ها هم در برابر نسل‌های پیشین و میراث‌های فرهنگی، هنجاری عرضه‌شده از سوی آنان و هم در برابر اعضای از نسل خودشان که خود را وامدار نسل پیشین می‌دانند، می‌ایستند. بنابراین بر اساس نظر مانهایم تغییر اجتماعی رخ داده در بخش مهمی از

نسل جوان‌تر موجب امتناع، مخالفت و تغییر میراث فرهنگی ایجادشده از نسل‌های کهن‌تر و پذیرفته‌شده از سوی بسیاری از معاصران آنان می‌شود (رایدر ۱۹۶۵).

اما مسئله‌ای که در مباحث مانهایم کم‌تر مورد توجه قرار گرفته، مفهوم طلایه‌داران^۱ است که افرادی از همان نسل پیشین اند که پیشگام جریان تغییر فرهنگی می‌شوند. بنابراین، ارزش‌ها و نگرش‌های پیشرو اعضای نسل جدید که عامل تغییرات اجتماعی اند، هرچند در واکنش نسبت به جامعه در حال تغییر مطرح شده اند، اما کاملاً اصیل و ناب نیستند. به عبارت دیگر، نگرش‌های اعضای پیشرو نسل در حال ظهور جوانان تحت تأثیر طلایه‌دارانی از نسل پیشین است. بدین ترتیب بچه‌های والدین طلایه‌دار، عاملان تغییرات اجتماعی اند، هم به این دلیل که ارزش‌هایشان مشابه ارزش‌های والدین آنان است و هم به این علت که ارزش‌هایشان افراطی‌تر از والدینشان است؛ یعنی ارزش‌های بچه‌های طلایه‌داران به نقطه‌ای می‌رسد که ارزش‌های پدرانشان به پایان می‌رسد (همان). بر پایه فرایند جامعه‌پذیری از سوی والدین طلایه‌دار، بچه‌ها با نگرش‌هایی وارد مرحله بلوغ می‌شوند که موجب تفاوتی ایدئولوژیک بین آنان و بقیه جامعه‌شان می‌شود (مانهایم ۱۹۵۲). در نظریه مانهایم در این باره، دو منبع مهم که در توسعه طلایه‌داران بالقوه در نسل جوان‌تر سهم دارد، مطرح شده که عبارت‌اند از: ۱- خانواده اصیل و ۲- تفسیر تجارب والدین به سبکی سازگار با ارزش‌های خانواده اصیل (همان).

اینگلهارت دو فرضیه درباره عوامل مؤثر بر شکاف نسلی در دهه ۶۰ جامعه اروپایی و دگرگونی ارزش‌ها و جایگزینی ارزش‌های فرامادی به جای مادی در میان جوانان، مطرح می‌کند: ۱- فرضیه کمیابی اولویت‌های فرد، بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی وی است. شخص بیشترین ارزش‌ها را برای آن چیزهایی قائل می‌شود که عرضه آنها نسبتاً کم است؛ ۲- فرضیه اجتماعی شدن: مناسبات میان محیط اجتماعی اقتصادی و اولویت‌های ارزشی، رابطه مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست. در این میان تاخیر زمانی محسوسی وجود دارد، زیرا ارزش‌های اصلی شخص تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ وی حاکم بوده است. بر اساس این فرضیه، رشد انسان در طول سال‌های قبل از بلوغ به مراتب سریع‌تر از دوران

پس از آن است و شواهد زیادی حاکی از آنند که احتمال آماری دگرگونی شخصیت پایه پس از آنکه شخص به بزرگسالی رسید، به سرعت کاهش می‌یابد.

این دو فرضیه با هم مجموعه به هم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند. در حالی که فرضیه کمیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی می‌انجامد، فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که نه ارزش‌های فردی و نه ارزش‌های یک جامعه، به‌طور کلی یک‌شبه تغییر نمی‌کند. برعکس دگرگونی اساسی ارزش‌ها به تدریج و به طرزی نامرئی روی می‌دهد. این دگرگونی در مقیاس وسیع وقتی پدید می‌آید که نسل جوان‌تری جایگزین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسال جامعه‌ای می‌شود (اینگلهارت ۷۵ و ۷۶).

اما تراوب و دادر^۱ با تاکید بر وجود شکاف بزرگ بین نسلی، معتقدند علت اساسی پیدایش این شکاف، وجود جامعه تمایز یافته بر اساس^۲ است. در چنین جامعه‌ای به نظر نمی‌رسد جوانان و بزرگسالان به طرز معنادار و مکرر با یکدیگر در کنش متقابل باشند، بلکه جوانان با دیگر جوانان و بزرگسالان با دیگر بزرگسالان در کنش متقابل اند. تراوب و دادر برای توضیح نظر خود دو مفهوم دیگر را نیز به کار می‌برند که یکی مفهوم هنجارهای مستقر و دیگری هنجارهای پیداشده یا پدیدآمده است. هنجارهای مستقر همان مجوزهای رفتاری ساخت یافته و دارای پیشینه تاریخی یک جامعه است که همیشه در گذشته، وسایل تحقق اهداف بوده و هنجارهای پیداشده هنجارهایی اند که کم‌تر از هنجارهای مستقر، ساخت یافته اند و عمدتاً پیشینه تاریخی نیز ندارند، هر چند معطوف به آینده نیز نیستند، و در عوض مبتنی بر کنش‌های معطوف به اکنون و اینجانبند (۱۹۸۸).

اجمالاً می‌توان گفت مانهایم دورانی از تغییرات سریع فرهنگی را علت پدیده شکاف نسلی می‌داند که در پی آن تفسیرهای سنتی و میراث‌های فرهنگی برجای مانده از نسل‌های قبلی، از سوی بخش مهمی از نسل‌های جدید به چالش کشیده می‌شود. البته به نظر مانهایم بانیان اصلی و پیشگامان این تحول فرهنگی افرادی انگشت‌شمار از نسل پیشین به نام طلایه‌داران‌اند. اما مهم آن است که عوامل تغییر اجتماعی نسل جدیدی اند

1- Traub, Stuart H; Dodder, Richard A

2- Age-graded society

که تحت تأثیر طلایه‌داران از نسل قبلی‌اند و هم در مقابل نسل قبل و هم در برابر هم‌نسلی‌های خود که تابع نسل قبلی‌اند خروج می‌کنند.

اما اینگلهارت تغییر شرایط اقتصادی، اجتماعی در اروپای پس از جنگ را علت تغییرات اساسی نسل پس از جنگ جهانی دوم با نسل قبل از جنگ می‌داند. وی با تأکید بر نظریه مازلو در طبقه‌بندی نیازها و تقدم نیازهای مادی مانند معیشت و امنیت بر نیازهای فرامادی و عبور از نیازهای مادی به فرامادی پس از تامین نیازهای مادی، معتقد است از دهه ۶۰ جامعه غربی به سطح مطلوبی از تامین نیازهای معیشتی و به‌ویژه امنیتی رسید و بر اساس فرضیه کمیابی در نسل جدید، گرایش به ارزش‌های فرامادی شدت گرفت. البته این گرایش به تدریج در سایر گروه‌های سنی نیز با کاهشی کم و بیش نسبت به جوانان جریان یافت و پس از ۱۰ الی ۱۵ سال پس از آنکه جوانان نقش‌های مهم در جامعه یافتند، جایگزینی ارزش‌های فرامادی به جای مادی به پدیده‌ای رایج تبدیل شد. از نظر اینگلهارت، مسئله شکاف نسلی صرفاً در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ اهمیت داشت و ناشی از گذر جامعه از یک سطح از نیازها به سطح دیگر آن در اثر شکوفایی اقتصادی بود.

اما تراوب و دادر علت اساسی پیدایش شکاف نسلی را وجود جامعه تمایز یافته بر اساس سن می‌دانند. در جامعه‌های توسعه‌یافته، فرایند تمایزپذیری^۱ پدیده عام و در حال گسترشی است. این تمایزپذیری به تدریج به همه عرصه‌های زندگی اجتماعی، از جمله سن، سرایت می‌کند. از آنجا که اعضای گروه‌های سنی مختلف بر خلاف گذشته در قالب خانواده سنتی (که تقریباً کلیه کارکردهای نظام اجتماعی را در بر می‌گیرد)، با یکدیگر تعامل ندارند و تعامل افراد عمدتاً در گروه‌های سنی انجام می‌گیرد (جوانان با جوانان، میانسالان با میانسالان و سالمندان با سالمندان)، بنابراین به تدریج هر گروه سنی دارای ارزش‌های خاص خود می‌شود و از گروه‌های سنی دیگر تمایز اساسی پیدا می‌کند.

با این وصف، می‌توان پیش‌بینی کرد در جوامعی که در مرحله شکوفایی اقتصادی قرار دارند، یا به حدی از توسعه اجتماعی گسترده دست یافته باشند که در آن پدیده تمایزپذیری نقش‌ها، گروه‌ها و نهادها اتفاق

افتاده باشد یا در معرض تغییرات فرهنگی شدید مانند انقلاب قرار گرفته باشند، مسئله شکاف نسلی لااقل تا مدتی اجتناب‌ناپذیر است.

مسئله شکاف نسلی در ایران

درباره وجود یا عدم شکاف نسلی در ایران و عوامل مؤثر بر آن دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. این دیدگاه‌ها را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱- دیدگاهی که از وجود شکاف نسلی در ایران دفاع می‌کند، ۲- دیدگاهی که به تفاوت نسلی قائل است و نه شکاف یا گسست نسلی، ۳- دیدگاهی که مسئله اصلی را گسست فرهنگی می‌داند و نه گسست نسلی و ۴- دیدگاهی که با بیم و امید به این پدیده نظر دارد و معتقد است. شرایط فعلی اگر درست مدیریت نشود پتانسیل گسترش تفاوت نسلی را تا سرحد شکاف نسلی دارد.

۱- دیدگاه اول: عده‌ای از متفکران اجتماعی، معتقدند در ایران شکاف نسلی وجود دارد و به تدریج شدیدتر هم می‌شود (آقاجری ۱۳۸۲ : ۱۶۰؛ فیرحی ۱۳۸۲ : ۷۳؛ قادری ۱۳۸۲ : ۱۸۸؛ سریع‌القلم ۱۳۸۲ : ۱۷۳). معتقدان به شکاف نسلی، مدرنیته و تحولات سریع اقتصادی، اجتماعی، فرایند جهانی شدن، تغییرات جمعیتی، تأثیر نخبگان و انقلاب اسلامی را از یک سو و عدم پاسخگویی مناسب نظام سیاسی، اجتماعی کشور به این تحولات را از طرف دیگر، از جمله عوامل به وجود آورنده این مسئله در ایران دانسته‌اند (قادری ۱۳۸۲ : ۱۷۸ تا ۱۸۲).

معتقدان به وجود شکاف نسلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- بدین به شکاف نسلی و ۲- خوش‌بین به شکاف نسلی. دسته اول، متأثر از ارزش‌های انقلاب‌اند و این شکاف را موجب بحران هویت، گسست جوانان از تاریخ و فرهنگ دینی و ملی خودی ارزیابی می‌کنند و دسته دوم، این شکاف را تحول اساسی و لازم برای جامعه رو به سوی آینده می‌دانند (آقاجری ۱۳۸۲ : ۱۶۲ تا ۱۷۸؛ سریع‌القلم ۱۳۸۲ : ۱۶۹ تا ۱۷۲).

۲- دیدگاه دوم: دیدگاه کسانی که به تفاوت نسلی و نه شکاف یا گسست نسلی قائل‌اند. در این زمره می‌توان برخی از نظریه‌پردازان روان‌شناس و نیز برخی از متفکران اجتماعی و محققان را قرار داد. دسته اول، معتقدند تفاوت نسل‌ها، پدیده‌ای بیولوژیک و روان‌شناختی است و دسته دوم، معتقدند اگرچه میان نسل جوان با سایر نسل‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد اما از آن نمی‌توان افاده شکاف یا گسست نسلی کرد (توکلی ۱۳۸۲:

۳۷۲ تا ۳۷۶؛ کاشی: نقل از کار و کارگر). اما به هر حال هر دو دسته، اصطلاح تفاوت نسلی را به کار می‌برند و نه شکاف نسلی را.

در این باره، روان‌شناسان اگرچه به‌طور مستقیم درباره وجود این مسئله در ایران سخن نگفته‌اند، اما به مشکل تفاوت میان نسل‌ها در دوره‌های کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و بزرگسالی توجه کرده و آن را به اقتضای سنی تاویل کرده‌اند. پیاژه در این باره می‌گوید افراد در سنین مختلف به سؤال‌های واحد پاسخ یکسان نمی‌دهند و نوع پاسخ آنها متأثر از ساخت فکری آنهاست (سیف و دیگران ۱۳۷۵: ۷۷؛ هنری ۱۳۷۸: ۶۱۰، ۶۱۰، ۶۰۲، ۵۹۹، ۵۴۸، ۵۴۷؛ بیلر ۱۳۶۷: ۱۸۹، ۱۹۰؛ لطف‌آبادی ۱۳۷۸: ۲۱۶؛ منصور ۱۳۷۹: ۲۰۷).

۳- دیدگاه سوم: دیدگاه کسانی که مسئله اصلی را گسست فرهنگی می‌دانند و نه گسست نسلی. در این باره گفته شد که، شکاف نسلی نه یک مسئله اجتماعی، بلکه مسئله بیولوژیک و ناشی از اقتضای سنی است. اما در عوض، گسست فرهنگی وجود دارد که بر اساس آن اختلاف بین نسل‌ها نیز توضیح داده می‌شود. از این نظر، در شرایط گسست فرهنگی، جامعه نه بر اساس سن، بلکه بر اساس دو نوع رویکرد سنتی و جدید به دو گروه تقسیم می‌شود و در هر گروه پیر و جوان در کنار هم قرار دارند. اما شاید دلیل کثرت بیشتر جوانان در یکی از این گروه‌ها، ناشی از توأم شدن گسست فرهنگی و گسست نسلی باشد (مددپور ۱۳۸۲: ۲۳ تا ۳۱؛ آقاجری ۱۳۸۲: ۱۶۲ تا ۱۶۹).

۴- دیدگاه چهارم: عده‌ای از متفکران اجتماعی با بیم و امید به پدیده شکاف نسلی نظر دارند و معتقدند شرایط فعلی اگر درست مدیریت نشود پتانسیل گسترش تفاوت نسلی را تا سرحد شکاف نسلی دارد. این متفکران با توجه به شرایط انقلاب در ایران و مشکل نسل انقلابی در پافشاری بر ارزش‌ها و نیز انعطاف‌ناپذیری آنان نسبت به تحولات جدید، معتقدند چنانچه این انعطاف‌ناپذیری تداوم یابد، پدیده گسست نسلی اتفاق خواهد افتاد. این گروه نمی‌توانند به وجود یا عدم قطعی شکاف یا گسست نسلی رأی دهند، اما با تناظر شرایط ایران و انقلاب‌های اجتماعی دیگر احتمال وقوع شکاف نسلی را در شرایط تداوم انعطاف‌ناپذیری حاکمان و نسل انقلاب می‌دهند (جلالی ۱۳۸۲: ۹۱ تا ۹۵؛ منصورنژاد ۱۳۸۲: ۱۹۹ تا ۲۰۳).

بررسی داده‌های طرح‌های ملی

به منظور بررسی چهار دیدگاه مطرح شده دربارهٔ یا عدم شکاف نسلی در ایران، از داده‌های دو طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که یکی در سال ۷۹ و دیگری در سال ۸۲ در مراکز ۲۸ استان کشور انجام شده، استفاده شده است. در این دو طرح تعداد زیادی از سؤالات پرسشنامه، مشابه و تعدادی نیز متفاوت اند. از آنجا که بر اساس دیدگاه دوم، تفاوت‌ها ممکن است ناشی از شرایط بیولوژیک و سنی باشند، برای کنترل شرایط سنی، دو سال گردآوری اطلاعات در نظر گرفته شده است. همچنین، اگرچه اطلاعات سه گروه سنی ۱۵ تا ۲۹، ۳۰ تا ۴۹ و ۵۰ سال و بالاتر در جدول‌ها آمده، اما برای بررسی شکاف نسلی، اطلاعات دو گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال و ۵۰ سال و بالاتر مقایسه شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند تا تفاوت‌ها آشکارتر باشند.

ارزش‌ها و نگرش‌های افراد در سه زمینه با یکدیگر مقایسه شده است: ۱- ارزش‌ها و نگرش‌های دینی، ۲- ترجیحات سیاسی و احساس تعلق به جامعه و ۳- ارزش‌ها، هنجارها و مسائل اجتماعی.

۱- تفاوت یا شکاف نسلی در حوزه ارزش‌ها و نگرش‌های دینی: تغییرات در حوزه ارزش‌ها و نگرش‌ها در دو بخش از هم قابل تمایزند. در برخی از جنبه‌ها، میان جوانان و سالمندان تفاوت‌ها بسیار ناچیز است و در برخی از جنبه‌ها، تفاوت‌ها نسبتاً زیاد بوده و در طول زمان افزایش نیز یافته است.

۱- عدم تفاوت میان نسل‌ها و یا تفاوت‌های نامحسوس: کمترین اختلاف میان جوانان و بزرگسالان، مربوط به جنبه‌های اعتقادی و باورهای دینی بوده و داده‌های آماری سال‌های ۷۹ و ۸۲ نیز با یکدیگر تقریباً مشابه‌اند.

از افراد سؤال شده که "شما با این عقیده که اعمال خوب و بد در روز جزا محاسبه می‌شود، موافقید یا مخالف؟" همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، تقریباً اختلافی میان نسل‌ها دیده نشده است.

جدول ۱: اعتقاد به روز جزا!

سال ۸۲			سال ۷۹			
۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	سن
۳/۱	۲/۲	۱/۹	۱/۴	۲	۱/۶	مخالف
۲	۲/۹	۳/۴	۲	۲/۳	۳/۲	مردد
۹۵	۹۴/۹	۹۴/۷	۹۶/۶	۹۵/۷	۹۵/۲	موافق

از افراد سؤال شده که "ایمان به خدا موجب می‌شود تا انسان راحت با مشکلات کنار بیاید" در این مورد نیز اختلاف نظر میان نسل‌ها بسیار ناچیز و قابل اغماض بوده (۸۶/۳ درصد در برابر ۹۰/۴ درصد در سال ۷۹ و ۹۶ درصد در برابر ۹۶/۹ درصد در سال ۸۲) و در طی زمان کاهش نیز یافته است.

از افراد سؤال شده که "هرچند وقت یک‌بار یا چقدر از خدا می‌خواهید به شما کمک کند؟" در این مورد نیز اختلاف میان نسل‌ها بسیار ناچیز بوده و در طی زمان کاهش نیز یافته است.

۲- تفاوت میان نسل‌ها: غیر از جنبه اعتقادی و باورها، در سایر جنبه‌ها تفاوت‌های نسبتاً زیادی در میان نسل جوان و بزرگسالان ملاحظه می‌شود که در طی زمان در حال افزایش است و این افزایش در برخی جنبه‌ها بسیار زیاد است. این تفاوت‌ها در زمینه مناسک، رویکرد به دین، تلقی مذهبی از خود و ارزیابی آینده دین است.

تفاوت‌ها در زمینه مناسک دینی: از افراد سؤال شده که "شما اعمال واجب دینی خود را انجام می‌دهید؟ (سال ۷۹)، شما طی یک‌سال گذشته نمازتان را مرتب خوانده‌اید؟ (سال ۸۲)" همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد اختلاف میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه "اکثراً"، نسبتاً زیاد بوده و در طی زمان افزایش نیز یافته است. در واقع جوانان ۱۵/۷ درصد کمتر از بزرگسالان "اکثراً" به واجبات دینی عمل می‌کنند (بر اساس آمار سال ۷۹) و ۲۵/۹ درصد کمتر از آنان مرتب نماز می‌خوانند (بر اساس آمار سال ۸۲).

جدول ۲: انجام واجبات دینی

سال ۸۲			سال ۷۹			
۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	سن
۵/۴	۸/۵	۱۷/۹	۳/۶	۴/۴	۸/۵	به ندرت
۸/۲	۱۵/۶	۲۱/۶	۵/۶	۹/۱	۱۶/۴	گاهی
۸۶/۴	۷۵/۹	۶۰/۵	۹۰/۸	۸۶/۵	۷۵/۱	اکثراً

از افراد سؤال شده که "هر چند یک‌بار در نماز جماعت شرکت می‌کنید؟"، اختلاف میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه "به ندرت" نسبتاً زیاد بوده و در طی زمان افزایش نیز یافته است. در واقع جوانان ۱۵/۷ درصد کمتر از بزرگسالان در نماز جماعت شرکت می‌کنند (۵۳/۲ درصد در برابر ۳۷/۵ درصد) و این تفاوت ۴/۱ درصد نیز در فاصله سال‌های ۷۹ تا ۸۲ افزایش یافته است.

همچنین، از افراد سؤال شده که "هر چند یکبار در نماز جمعه شرکت می‌کنید؟"، در این مورد نیز اختلاف میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه "به ندرت" نسبتاً زیاد بوده و در طی زمان نیز افزایش یافته است. در واقع جوانان ۱۱/۴ درصد کمتر از بزرگسالان در نماز جمعه شرکت می‌کنند (۶۹/۱ درصد در برابر ۵۷/۷ درصد) و این تفاوت ۱/۶ درصد نیز در فاصله سال‌های ۷۹ تا ۸۲ افزایش یافته است.

تفاوت‌ها در رویکرد به دین: از افراد سؤال شده که با این ایده موافق یا مخالفید که "دینداری به قلب پاک است، نه به اعمال مذهبی یا نماز؟" همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، اختلافات میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه موافق، نسبتاً چشمگیر بوده و در طی زمان افزایش نیز یافته است. در واقع جوانان ۹/۱ درصد بیشتر از بزرگسالان دینداری را به قلب پاک می‌دانند نه به اعمال دینی و این تفاوت در فاصله سال‌های ۷۹ تا ۸۲، ۲/۹ درصد نیز افزایش یافته است.

جدول ۳ دینداری به قلب پاک است یا به اعمال

سال ۸۲			سال ۷۹			سن
۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	
۵۹/۸	۵۴/۴	۴۵/۶	۶۰/۸	۵۷/۶	۴۹/۵	مخالف
۸/۲	۷/۵	۱۰/۳	۹/۶	۸/۵	۱۱/۷	مردد
۳۲	۳۸/۱	۴۴	۲۹/۶	۳۳/۹	۳۸/۷	موافق

از افراد سؤال شده که با این ایده موافق یا مخالف‌اید که "به کتاب‌هایی که با عقاید دینی تضاد دارند نباید اجازه چاپ داد (بر اساس سال ۷۹). باید جلو کتاب‌ها یا فیلم‌هایی را که موجب ناراحتی افراد مذهبی می‌شود گرفت (بر اساس سال ۸۲)" در این مورد نیز اختلافات میان نسل‌ها نسبتاً زیاد بوده و در طی زمان افزایش نیز یافته است. در واقع جوانان ۸/۶ درصد بیشتر از بزرگسالان مخالف برخورد با عقاید متضاد با دین اند (۳۶/۹ درصد در برابر ۲۸/۳ درصد) و این مخالفت ۷/۹ درصد (نزدیک دو برابر) نیز در فاصله سال‌های ۷۹ تا ۸۲ افزایش یافته است (۵۰/۱ درصد در برابر ۳۳/۴ درصد).

از افراد سؤال شده که با این ایده موافق یا مخالف‌اید که "رفت و آمد با کسانی که عقاید غیر مذهبی دارند، اشکال ندارد و با افرادی که نماز نمی‌خوانند نباید رفت و آمد کرد داده‌های مربوطه نشان می‌دهند که اختلاف میان نسل‌ها در تساهل دینی کمی وجود دارد و طی زمان افزایش نیز یافته است. در واقع جوانان ۴/۶ درصد

بیشتر از بزرگسالان موافق رفت و آمد و دوستی با افراد غیر مذهبی‌اند (بر اساس سال ۷۹) (۴۰/۹ درصد در برابر ۳۶/۳ درصد) و ۹/۴ درصد بیشتر از آنان مخالف با عدم رفت و آمد با افراد غیر نمازگذارند (۷۴/۸ درصد در برابر ۶۵/۴ درصد) (بر اساس سال ۸۲).

خوش بینی نسبت به آینده دین: از افراد سؤال شده که "به نظر شما مردم در پنج سال آینده مذهبی تر می‌شوند یا غیر مذهبی؟"، همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، اختلاف میان نسل‌ها در خوش بینی نسبت به آینده دین نسبتاً چشمگیر است و در طی زمان افزایش یافته است. در واقع جوانان ۱۰/۳ درصد بیشتر از بزرگسالان آینده دین را غیر مذهبی تر ارزیابی کرده‌اند و این تفاوت ۹/۱ درصد نیز افزایش یافته است.

جدول ۴: نگرش نسبت به آینده دین

سال ۸۲			سال ۷۹			
سن	۲۹-۱۵	۴۹-۳۰	۵۰ و +	۲۹-۱۵	۴۹-۳۰	۵۰ و +
مذهبی تر	۱۲	۱۸/۷	۲۳/۶	۷/۹	۱۵/۹	۲۳/۶
بدون تفاوت	۲۹/۴	۳۰/۴	۲۸/۳	۱۲	۱۴/۹	۱۵/۷
غیر مذهبی تر	۵۸/۵	۵۰/۹	۴۸/۲	۸۰/۱	۶۹/۲	۶۰/۷

ارزیابی میزان مذهبی بودن خود: از افراد سؤال شده که "چقدر به خدا احساس نزدیکی می‌کنید؟" همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود اختلاف میان نسل‌ها در میزان احساس نزدیکی به خدا زیاد است و در طی زمان افزایش یافته است. در واقع جوانان ۲۰/۸ درصد کمتر از بزرگسالان خود را به خدا نزدیک تر احساس کرده‌اند و این تفاوت ۵/۶ درصد نیز افزایش یافته است.

جدول ۵: احساس نزدیکی به خدا

سال ۸۲			سال ۷۹			
سن	۲۹-۱۵	۴۹-۳۰	۵۰ و +	۲۹-۱۵	۴۹-۳۰	۵۰ و +
کم	۹/۴	۵/۸	۴/۳	۱۱	۴	۱/۸
متوسط	۳۶/۸	۲۸/۷	۲۱/۱	۳۴/۲	۲۳/۷	۱۷
زیاد	۵۳/۸	۶۵/۵	۷۴/۶	۵۴/۸	۷۲/۳	۸۱/۲

از افراد سؤال شده که "شما خودتان را تا چه اندازه فردی مذهبی می‌دانید؟"، داده‌های مربوطه نشان دهند که اختلاف میان نسل‌ها میزان مذهبی بودن خود چشمگیر است و طی زمان افزایش نیز یافته است. در واقع جوانان ۲۰/۶ درصد (۳۶/۷ درصد در برابر ۵۷/۳ درصد) کمتر از بزرگسالان خود را مذهبی دانسته‌اند و این تفاوت ۲/۷ درصد نیز افزایش یافته است.

۲- تفاوت یا شکاف نسلی در حوزه ترجیحات سیاسی و احساس تعلق به جامعه: تغییرات در حوزه ترجیحات سیاسی و احساس تعلق به جامعه نیز در دو بخش از هم قابل تمایزند. در برخی جنبه‌ها، میان جوانان و سالمندان تفاوتی ملاحظه نمی‌شود یا تفاوت‌ها بسیار ناچیز است و در برخی جنبه‌ها تفاوت‌ها نسبتاً زیاد است و در طول زمان افزایش یافته است.

۱- عدم تفاوت میان نسل‌ها یا تفاوت‌های نامحسوس: کمترین اختلاف میان جوانان و بزرگسالان در ترجیحات سیاسی مربوط به رابطه دین و سیاست است و از این جنبه داده‌های آماری سال‌های ۷۹ و ۸۲ نیز با یکدیگر تقریباً مشابه‌اند.

از افراد سؤال شده که "آیا دین باید از سیاست جدا باشد؟"، همان‌طور که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، اختلاف میان نسل‌ها بسیار ناچیز است.

جدول ۶: دین باید از سیاست جدا باشد

سال ۸۲			سال ۷۹			
۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	سن
۵۱/۹	۵۵/۸	۵۲/۲	۴۳/۹	۴۸/۲	۴۷/۳	مخالف
۱۶	۱۲/۹	۱۳/۹	۲۱/۱	۱۶/۴	۱۵/۳	مردد
۳۲/۱	۳۱/۳	۳۳/۹	۳۵	۳۵/۵	۳۷/۴	موافق

۲- تفاوت میان نسل‌ها: غیر از رابطه دین و سیاست، در سایر جنبه‌ها تفاوت‌های نسبتاً زیادی در میان نسل جوان و بزرگسالان ملاحظه می‌شود که در طی زمان در حال افزایش است و این افزایش در برخی جنبه‌ها بسیار چشمگیر است. این تفاوت‌ها در زمینه احساس تعلق به جامعه و نگرش نسبت به حکومت، است.

احساس تعلق به جامعه: از افراد سؤال شده که "شما تا چه حد به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنید؟" همان‌طور که جدول ۷ نشان می‌دهد اختلافات میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه زیاد نسبتاً چشمگیر است و در طی زمان تا حدودی افزایش یافته است. در واقع جوانان ۸/۵ درصد کمتر از بزرگسالان به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند و این تفاوت ۱/۲ درصد نیز افزایش یافته است.

جدول ۷: افتخار به ایرانی بودن

سال ۸۲			سال ۷۹			
۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	سن
۲/۱	۳/۶	۵/۵	۲/۳	۳/۹	۶/۴	کم
۲/۱	۴/۵	۸/۵	۵/۴	۷/۱	۹/۹	متوسط
۹۵/۷	۹۱/۹	۸۶	۹۲/۳	۸۸/۹	۸۳/۸	زیاد

از افراد سؤال شده که "شما در شرایط ضروری حاضرید به جبهه بروید؟"، داده‌ها نشان می‌دهند که اختلاف میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه زیاد نسبتاً چشمگیر است و در طی زمان افزایش نیز یافته است. در واقع جوانان ۶/۸ درصد کمتر از بزرگسالان حاضرند به جبهه بروند و این تفاوت ۴/۱ درصد نیز افزایش یافته است. (۵۱/۸ درصد در برابر ۵۸/۶ درصد در سال ۷۹ و ۴۰/۴ درصد در برابر ۵۱/۳ درصد در سال ۸۲)

از افراد سؤال شده که "در صورت ضرورت تا چه اندازه حاضرید در مناطق محروم خدمت کنید؟". اختلاف میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه زیاد تا حدودی وجود دارد و در طی زمان افزایش نیز یافته است. در واقع جوانان ۲/۸ درصد کمتر از بزرگسالان حاضرند در مناطق محروم خدمت کنند و این تفاوت ۴/۳ درصد نیز افزایش یافته است.

از افراد سؤال شده که "شما تا چه اندازه اطلاعات و اخبار کشور را دنبال می‌کنید؟". اختلاف میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه زیاد تا حدودی وجود دارد و در طی زمان به شدت افزایش نیز یافته است. در سال ۱۳۷۹، جوانان ۶/۳ درصد بیشتر از بزرگسالان اطلاعات و اخبار کشور را دنبال می‌کردند، اما در سال ۱۳۸۲، ۱۰/۷ درصد کمتر از بزرگسالان اطلاعات و اخبار کشور را دنبال می‌کنند. در این فاصله کوتاه و در مقایسه با بزرگسالان، جوانان گرایش کمتری به پیگیری مسائل کشور پیدا کرده و بی تفاوت‌تر شده‌اند.

نگرش نسبت به حکومت: از افراد سؤال شده که "به نظر شما در شرایط فعلی، تا چه حد می‌توان بدون ترس از حکومت انتقاد کرد؟"، همان‌طور که جدول ۸ نشان می‌دهد اختلاف میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه کم تا حدودی وجود دارد و در طی زمان، فوق‌العاده افزایش یافته است. در واقع جوانان ۳/۸ درصد کمتر از بزرگسالان با امکان انتقاد بدون ترس از حکومت موافقاند و این تفاوت ۹/۵ درصد نیز افزایش یافته است.

جدول ۸: امکان انتقاد از حکومت

سال ۸۲			سال ۷۹			
۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	سن
۵۰/۳	۵۴/۸	۶۳/۶	۴۶/۴	۴۵/۵	۵۰/۲	کم
۱۳/۷	۱۰/۶	۱۱/۶	۳۰/۲	۲۹/۲	۲۷/۹	متوسط
۳۶/۱	۳۴/۷	۲۴/۸	۲۳/۳	۲۵/۳	۲۱/۹	زیاد

از افراد سؤال شده که "به نظر شما اکثر مردم به کدامیک از این سه نظر: دفاع، اصلاح و تغییر بنیادی، در مورد اوضاع کشور معتقدند؟". اختلاف میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه تغییر بنیادی قابل توجه بوده و در طی زمان، بسیار افزایش یافته است. در واقع جوانان ۱۰/۱ درصد بیشتر از بزرگسالان به سوی تغییرات بنیادی اوضاع نظر دارند و این تفاوت ۷/۶ درصد افزایش یافته است. (۳۱ درصد در برابر ۲۰/۹ درصد در سال ۷۹ و ۳۶ درصد در برابر ۱۸/۳ درصد در سال ۸۲)

از افراد سؤال شده که "خود شما با کدامیک از این سه نظر: دفاع، اصلاح و تغییر بنیادی، در مورد اوضاع کشور معتقدید. اختلاف میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه تغییر بنیادی قابل توجه و در طی زمان، افزایش یافته است. در واقع جوانان ۱۰/۱ درصد بیشتر از بزرگسالان به سوی تغییرات بنیادی اوضاع نظر دارند و این تفاوت ۳/۷ درصد افزایش یافته است.

۳- تفاوت یا شکاف نسلی در حوزه ارزش‌ها، هنجارها و مسائل اجتماعی: تغییرات در حوزه ارزش‌ها، هنجارها و مسائل اجتماعی در دو بخش از هم قابل تمایزند. در برخی جنبه‌ها، میان جوانان و سالمندان تفاوتی

ملاحظه نمی‌شود یا تفاوت‌ها بسیار ناچیز است و در بعضی جنبه‌ها تفاوت‌ها نسبتاً چشمگیر است و در طول زمان افزایش یافته است.

۱- **عدم تفاوت میان نسل‌ها و یا تفاوت‌های نامحسوس:** کمترین اختلاف میان جوانان و بزرگسالان مربوط به نگرش به مسائل اجتماعی است و از این جنبه حتی داده‌های آماری سال‌های ۷۹ و ۸۲ با یکدیگر تقریباً مشابه است.

از افراد سؤال شده که "به نظر شما هر یک از مسائل مانند طلاق، بیکاری، گرانی، اعتیاد، دزدی و کلاهبرداری، ناامنی، پارتی‌بازی، بی‌توجهی به دین و بی‌بند و باری در جامعه ما چقدر مهم و جدی است؟" داده‌ها نشان می‌دهد که در هر دو سال جمع‌آوری اطلاعات، نظر جوانان و بزرگسالان درباره اهمیت طلاق، بیکاری، گرانی، اعتیاد، دزدی و کلاهبرداری و تساوی افراد در برابر قانون و نافذ بودن قانون، اختلافی ندارد و نظر آنان درباره اهمیت ناامنی، پارتی‌بازی، بی‌توجهی به دین و بی‌بند و باری نیز اختلاف اندکی دارد. داده‌ها همچنین نشان می‌دهند که جوانان در هر دو سال به ترتیب برای مسائلی مانند بیکاری، گرانی، اعتیاد، پارتی‌بازی، دزدی و کلاه‌برداری و طلاق ناامنی اهمیت بیشتری قائل بوده‌اند و به جز موارد دزدی، کلاه‌برداری و ناامنی اهمیت سایر موارد در سال ۸۲ بیشتر نیز شده است.

۲- **تفاوت میان نسل‌ها:** غیر از اظهار نظر درباره مسائل اجتماعی، در سایر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تفاوت‌های نسبتاً زیادی در میان نسل جوان و بزرگسالان ملاحظه می‌شود که بعضاً در طی زمان در حال افزایش است. این تفاوت‌ها در زمینه اعتماد اجتماعی و نگرش نسبت به ارزش‌های انسانی و آرمانی و مدرنیستی است.

تفاوت‌ها در زمینه اعتماد اجتماعی: در سال ۸۲ از افراد سؤال شده که "به نظر شما مردم تا چه حد قابل اعتمادند؟" همچنین در سال‌های ۷۹ و ۸۲ از افراد سؤال شده که "به نظر شما تا چه اندازه انصاف، گذشت و صداقت و راستگویی در میان مردم رواج دارد؟"، داده‌های مربوطه نشان می‌دهند که اختلاف میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه "زیاد" نسبتاً چشمگیر و بعضاً در طی زمان افزایش یافته است. در سال ۸۲ جوانان ۱۰/۹ درصد کمتر از بزرگسالان مردم را قابل اعتماد دانسته‌اند. همچنین، جوانان به ترتیب، ۴/۲، ۵/۸ و ۸/۹ درصد

کمتر از بزرگسالان معتقدند که انصاف، گذشت و صداقت و راستگویی در میان مردم رواج دارد. این تفاوت، ۲/۶ درصد در مورد انصاف و ۱/۹ درصد در مورد صداقت و راستگویی افزایش یافته و در مورد گذشت بدون تفاوت بوده است.

تفاوت‌ها در زمینه ارزش‌های مدرنیستی: از افراد سؤال شده که " شما با اینکه کار زن خانه‌داری و در خانه است و کار مرد در بیرون خانه موافقت یا مخالف؟". همان‌طور که جدول ۹ نشان می‌دهد اختلاف میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه موافق، چشمگیر است و در طی زمان افزایش یافته است. در واقع جوانان ۷/۷ درصد کمتر از بزرگسالان موافق کار زن در خانه و خانه‌داری‌اند و این تفاوت، ۳/۲ درصد افزایش یافته است.

جدول ۹: موافقت با کار زن در خانه و خانه‌داری

سال ۸۲			سال ۷۹			سن
۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	۵۰ و +	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	
۶۳/۵	۷۱/۲	۷۴/۶	۶۱/۷	۶۷/۲	۶۹/۴	مخالف
۷/۱	۷/۲	۷	۵/۶	۵/۷	۵/۶	مردد
۲۹/۴	۲۱/۶	۱۸/۵	۳۲/۶	۲۷/۱	۲۴/۹	موافق

از افراد سؤال شده که " شما خودتان را جزء کدام طبقه می‌دانید؟"، داده‌ها نشان می‌دهند که اختلاف میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه طبقه پایین، بسیار زیاد است و در طی زمان افزایش پیدا کرده است. در واقع جوانان ۱۴/۲ درصد کمتر از بزرگسالان خود را در زمره طبقه پایین محسوب کرده‌اند. این تفاوت، ۲ درصد افزایش یافته است (۲۵/۵ درصد در برابر ۳۹/۷ درصد در سال ۷۹ و ۲۱/۱ درصد در برابر ۳۷/۳ درصد در سال ۸۲).

تفاوت‌ها در زمینه ارزش‌های آرمانی: از افراد سؤال شده که " اگر شاهد دعوی یکی از افراد فامیل خود با غریبه‌ای باشید چه کار می‌کنید؟" همان‌طور که جدول ۱۰ نشان می‌دهد، اختلافات میان نسل‌ها به‌ویژه در گزینه دفاع از حق، چشمگیر است. در واقع جوانان ۱۲/۳ درصد در سال ۷۹ و ۱۰/۶ درصد در سال ۸۲ کمتر از بزرگسالان اذعان داشته‌اند که در چنین قضاوتی، طرف حق را می‌گیرند.

جدول ۱۰: در موضع قضاوت

سن	سال ۷۹			سال ۸۲		
	۲۹-۱	۴۹-۳۰	۵۰ و +	۲۹-۱۵	۴۹-۳۰	۵۰ و +
دفاع از حق	۶۹/۹	۷۸	۸۲/۲	۳۸/۱	۴۴/۱	۴۸/۷
سکوت	۲۵/۴	۱۸/۸	۱۵	۱۶/۲	۹/۱	۶/۱
طرفداری از فامیل	۴/۷	۳/۲	۲/۸	۱۴	۱۱/۱	۵/۹

خلاصه و نتیجه گیری

در مبحث نظری، نخست مفاهیم شکاف، گسست، انقطاع و تفاوت نسلی تعریف و از این میان مفهوم شکاف نسلی به عنوان رایج ترین مفهوم و مسئله اجتماعی تعیین شد. شکاف نسلی به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده که موجب عدم فهم متقابل آنان از یکدیگر می شود. سپس، مناقشه صاحب نظران غربی بر سر مسئله بودن یا نبودن پدیده شکاف نسلی مطرح شد.

با توجه به عوامل پیش گفته، می توان پیش بینی کرد که در جوامعی که ۱- در مرحله شکوفایی اقتصادی قرار دارند، یا ۲- به حدی از توسعه اجتماعی گسترده دست یافته باشند که در آن پدیده تمایز یافتگی نقش ها، گروه ها و نهادها اتفاق افتاده باشد یا ۳- در معرض تغییرات فرهنگی شدید مانند انقلاب قرار گرفته باشند، مسئله شکاف نسلی لااقل تا مدتی اجتناب ناپذیر است.

در بررسی شکاف نسلی در ایران نیز چهار دیدگاه مطرح شد: ۱- دیدگاه کسانی که از وجود شکاف نسلی در ایران دفاع می کنند، ۲- دیدگاه افرادی که به تفاوت نسلی قائل اند و نه شکاف یا گسست نسلی، ۳- دیدگاه کسانی که مسئله اصلی را گسست فرهنگی می دانند و نه گسست نسلی، ۴- دیدگاه افرادی که با بیم و امید به این پدیده نظر دارند و معتقدند شرایط فعلی در صورت فقدان مدیریت صحیح پتانسیل گسترش تفاوت نسلی را تا سرحد شکاف نسلی دارد.

در ایران به نظر می رسد از میان سه عامل پیش گفته زمینه ساز شکاف نسلی، عامل سوم حائز اهمیت باشد. در واقع، در ایران اگرچه گام های مهمی در جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی برداشته شده، اما هنوز به مرحله شکوفایی اقتصادی و توسعه اجتماعی بسان کشورهای اروپای دهه ۶۰ وارد نشده ایم. در مقابل، در ایران به

واسطه شرایط انقلابی و پدیده جهانی شدن، طی دهه‌های اخیر تغییرات فرهنگی شدیدی به وجود آمده است. این تغییرات ممکن است موجب مسئله شکاف نسلی در ایران شده باشند. البته برخی صاحب‌نظران کشور معتقدند این تغییرات در همه نسل‌ها تأثیر داشته و اگرچه ارزش‌های نسل جوان بیشتر از نسل‌های قبل از خود تغییر یافته، اما منجر به پدیده شکاف نسلی نشده است.

به منظور آزمون این فرضیه‌ها، داده‌های دو طرح ملی تحول ارزش‌ها و نگرش‌ها در سال‌های ۷۹ و ۸۲ بررسی شد. بر اساس یافته‌ها، می‌توان گفت در هر سه حوزه ارزش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، در برخی زمینه‌ها تفاوت آشکاری میان جوانان و بزرگسالان مشاهده نمی‌شود و در برخی زمینه‌ها نه تنها تفاوت زیادی در میان جوانان و بزرگسالان دیده می‌شود، بلکه این تفاوت در طی زمان بیشتر نیز شده است. بر این اساس، جوانان و بزرگسالان از جنبه‌های اعتقادی و باورهای دینی، نگرش نسبت به رابطه دین و سیاست و نگرش نسبت به مسائل اجتماعی (مانند طلاق، بیکاری، گرانی، اعتیاد، دزدی و کلاهبرداری، ناامنی، پارتی‌بازی، بی‌توجهی به دین و بی‌بند و باری در جامعه) تفاوتی با یکدیگر ندارند یا این تفاوت اندک است. اما جوانان در زمینه‌های پایبندی به مناسک دینی، رویکرد تساهلی نسبت به دین، تلقی کمتر مذهبی از خود و ارزیابی بدبینانه‌تر از آینده دین تفاوت‌های زیادی با بزرگسالان دارند که در طی زمان بیشتر نیز شده است. همچنین، جوانان در زمینه‌های احساس تعلق کمتر نسبت به جامعه (افتخار به داشتن هویت ایرانی، آمادگی برای رفتن به جبهه و خدمت در مناطق محروم و پیگیری اخبار کشور)، نگرش بدبینانه به حکومت و وضع موجود، عدم اعتماد اجتماعی و تأکید بیشتر بر ارزش‌های مدرنیستی و تأکید کمتر بر ارزش‌های آرمانی، تفاوت‌های زیادی با بزرگسالان دارند که بعضاً در طی زمان افزایش یافته است.

بنظر می‌رسد تفاوت حتی زیاد میان دو نسل را می‌توان بر اساس فرضیه چرخه زندگی ناشی از شرایط سنی تلقی کرد که انتظار می‌رود پس از گذر جوانان از مرحله جوانی این تفاوت از میان برود. اما اگر این تفاوت میان دو نسل صرفاً بر اساس سن بود، نباید در دو دوره آمارگیری تغییر جدی می‌کرد، در حالی که در برخی زمینه‌ها این تغییر جدی اتفاق افتاده است. با این وصف نمی‌توان این تفاوت رو به تزاید در زمان را به فرضیه چرخه زندگی نسبت داد. باید اتفاق دیگری افتاده باشد. آیا با این افزایش میزان تفاوت میان دو نسل، شکاف نسلی رو به رشدی در حال وقوع است یا بر اساس فرضیه دوره‌ای، فرایند تدریجی تغییر ارزش‌ها در

همه گروه‌های سنی در جریان است که طی آن جوانان نسبت به گروه‌های سنی بزرگسال با سرعت بیشتری در مسیر تغییرات قرار می‌گیرند. احتمال فرضیه دوم بیشتر است. اگر تغییرات ارزش‌ها و نگرش‌ها در میان سایر گروه‌های سنی را در فاصله سه سال یعنی ۷۹ تا ۸۲ رصد کنیم معلوم می‌شود که در برخی زمینه‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های همه گروه‌های سنی با شتاب فوق‌العاده زیادی تغییر کرده است. با این وصف، در واقع ما با پدیده گسست فرهنگی مواجه‌ایم و نه شکاف نسلی.

یکی دیگر از عوامل تفاوت‌های زیاد میان جوانان و بزرگسالان، در نگرش بدبینانه نسبت به جامعه و وضع موجود به اختلالی که در روند استقلال جوانان در جامعه ما به وجود آمده، بر می‌گردد. یکی از مشکلات اساسی که جوانان امروز در کشورهای در حال توسعه و به ویژه ایران با آن مواجه‌اند، شرایطی است که از یک طرف موجب به تأخیر افتادن استقلال آنان از خانواده پدری و به عهده گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی در جامعه و از طرف دیگر افزایش میزان آگاهی‌های اجتماعی آنان از جامعه ملی و جهانی شده است. مسئله این است که جوانان از یک سو در جریان اطلاعات وسیع قرار می‌گیرند و این اطلاعات آنان را با دنیایی پیشرفته، دنیایی در حال تغییر، ارزش‌های نو به نو، نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید آشنا می‌کند و به همان میزان سطح انتظار و توقع آنان افزایش می‌یابد، اما از سوی دیگر، در روند استقلال آنان مشکل جدی، نهادی، فرهنگی، حتی اقتصادی وجود دارد. یکی از مشکلات اشتغال است که تابعی است از ظرفیت‌سازی‌های کم اقتصادی در کشور. مسئله دیگر فرهنگی است که مانع شروع زندگی اجتماعی آنان است و اجازه نمی‌دهد جوانان به سادگی تشکیل خانواده دهند. مسئله دیگر به خانواده‌ها مربوط می‌شود که به دلیل ترس از مسائل جامعه و بحران‌های اجتماعی، جوانان را در خانه نگه داشته و مانع خروج آنان می‌شوند که این خود موجب کاهش قدرت آنان برای کارآفرینی در آینده می‌شود. بنابراین، مشکل عدم استقلال از یک سو، و اطلاعات زیاد از سوی دیگر، بر اساس تئوری توقعات فزاینده منجر به این می‌شود که این نسل دچار نوعی بدبینی و یأس نسبت به آینده و مسائل خود باشند.

البته تغییرات زیاد در برخی از ارزش‌ها و نگرش‌های همه گروه‌های سنی در فاصله سه سال جمع‌آوری اطلاعات به ویژه در نگاه بدبینانه نسبت به روندهای سیاسی و اجتماعی کشور ممکن است ناشی از انقباض در

نظام سیاسی کشور ظرف سال‌های گذشته باشد. در واقع، از آنجا که پس از دوم خرداد ۷۶ تا مدتی فضای سیاسی کشور به شدت باز شده و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی گسترش یافت، اما در سال‌های اخیر این فضای سیاسی به همان سرعت و تا حد زیادی بسته شده، این واقعه بر اساس فرضیه توقعات فزاینده، در همه نسل‌ها به ویژه نسل جوان احساس بَدبینی در کلیه زمینه‌ها را افزایش داده است.

مآخذ:

- آقاجری، هاشم (۱۳۸۰) عصر ما، انقطاع نسل‌ها، چالش‌ها و چشم‌اندازها. / کتاب.
- آقاجری، هاشم (۱۳۸۲) مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. / مقاله در کتاب.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر، تهران. / کتاب ترجمه.
- بیلر، رابرت (۱۳۶۷) کاربرد روانشناسی در آموزش، ترجمه پروین کدیور، جلد اول، مرکز نشر دانشگاهی. / کتاب ترجمه.
- پناهی، محمد حسین (۱۳۸۲) شکاف نسلی در آموزش عالی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، مقاله منتشر نشده. / کتاب ترجمه.
- توکلی، مهناز (۱۳۸۲) مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. / مقاله در کتاب.
- جلالی، محمد رضا (۱۳۸۲) مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. / مقاله در کتاب.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۲) مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. / مقاله در کتاب.
- سیف، سوسن و دیگران (۱۳۷۵) روانشناسی رشد، انتشارات سازمان سمت. / کتاب با بیش از دو مؤلف.
- شرفی، محمد رضا (۱۳۸۲) مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. / مقاله در کتاب.
- فیرحی، داود (۱۳۸۲) مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. / مقاله در کتاب.

- قادری، حاتم (۱۳۸۲) مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. / مقاله در کتاب.
- کاشی، غلامرضا و محمد جواد (۱۳۸۲) کار و کارگر، شکاف نسلی در ایران. / کتاب با دو مؤلف.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۷۸) روانشناسی رشد (۲)، انتشارات سازمان سمت. / کتاب.
- مدد پور، محمد (۱۳۸۲) مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. / مقاله در کتاب.
- منصور، محمود (۱۳۷۹) روانشناسی ژنتیک، انتشارات سازمان سمت. / کتاب.
- منصور نژاد، محمد (۱۳۸۲) مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. / مقاله در کتاب.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲) دفتر طرح‌های ملی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم. / گزارش چاپ نشده.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰) دفتر طرح‌های ملی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ویرایش اول. / گزارش چاپ نشده.
- هنری، پاول و دیگران (۱۳۷۸) رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، نشر مرکز. / گزارش چاپ نشده.

- Adelson, J. (1970, January). What generation gap? *New York Times Magazin*.
- Bengston, V.L. (1970). The generation gap: A review and typology of social psychological perspective. *Youth and Society*, 2, 7-32.
- Flacks, R. (1967). The liberated generation: An exploration of the roots of student protest. *Journal of Social Issues*, 23.

- Friedenberq, E. (1969). generation gap. *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 382.
- Keniston, K. (1965). *The uncommitted: Alienated youth in American society*. New York: Harcourt, Brace & World.
- Lipset, S. M. (1968), The activist: A profile. *The public interest*, 13.
- Lubell, S. (1968). That generation gap. In D. Bell & I. Kristol (Eds.), *Confrontation*. New York: Basic Books.
- Mannheim, Karl. 1952. "The problem of generations." Pp. 276-322 in *Essays in the Sociology of Knowledge*, edited by Paul Kecskemeti. London: Routledge and Kegan Paul.
- Merton, R. K. (1957). *Social theory and social structure*. New York: Free Press.
- Nadel, S. F. (1956). *The theory of social structure*. London: Cohen and West.
- Oxford, Advanced Learner's Dictionary. (2000). Oxford University Press.
- Parsons, T. (1951). *The social system*. Illinois: Free Press.
- Reiss, I. R. (1968). America's sex standards –How and why they're changing. *Transaction*, 5.
- Rozak, T. (1969). *The making of a counter culture*. New York: Doubleday.
- Ryder, Norman B. 1965. "The cohort as a concept in the study of change." *American Sociological Review* 30.
- Slater, P. E. (1970). *The pursuit of loneliness: American culture at the breaking point*. Boston: Beacon.
- Thomas, L. E. (1974). Generational discontinuity in beliefs: An exploration of the generation gap. *Journal of Social Issues*, 30.
- Traub, Stuart H; Dodder, Richard A. (1988, Winter). *Intergenerational Conflict of Values and Norms: A Theoretical Model*, *Adolescence*.
- Webster, www.websters-online-dictionary.or